

## تحلیل طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های "فرائد الأدب" و نقش آن در انعکاس فرهنگ

حسین تکتبار فیروزجائی<sup>۱\*</sup>، علی حاجی خانی<sup>۲</sup>، غلامرضا بلوری<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

### چکیده

ضرب‌المثل‌ها ریشه در فرهنگ و اندیشه همگانی مردم دارند و بررسی طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های عربی، آشنایی عمیق‌تر با زندگی و فرهنگ عرب‌زبانان را منتج خواهد گشت. پژوهش حاضر به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، انواع طرح‌واره‌های موجود در هزار مورد از ضرب‌المثل‌های فرائد الادب را بر اساس الگوی طرح‌واره‌های تصویری اوانس و گرین در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی نماید؛ میزان کارآمدی انواع طرح‌واره‌های مطرح شده از جانب آنان را در تحلیل ضرب‌المثل‌های عربی بسنجد؛ درصد فراوانی انواع طرح‌واره‌ها را نشان دهد و برخی از دلایل کثرت نمود برخی طرح‌واره‌ها را تبیین نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد انواع طرح‌واره‌های ارائه شده از جانب اوانس و گرین در فرائد‌الادب یافت می‌شود و طرح‌واره میزان، بیشترین تعداد فراوانی و طرح‌واره غیر ماده پنداری، کمترین تعداد فراوانی را در ضرب‌المثل‌های بررسی شده دارا می‌باشد. حیوانات و عناصر طبیعت با توجه به نقش و حضورشان در زندگی اعراب، جایگاه برتر خود را در زبان نیز حفظ کرده‌اند. فعالیت‌های انسانی و همچنین اعضای بدن انسان نیز بخش مهمی از حوزه‌های مبدا ضرب‌المثل‌ها را از آن خود کرده و تجارب عینی کاربرد اعضاء در زندگی الگوی انتقال مفاهیم قرار گرفته است. عرب زبان موارد ملموس را به امور انتزاعی تسری می‌دهد، و به ندرت، عکس آن اتفاق می‌افتد. تعدد وجوه طرح‌واره‌ها در ضرب‌المثل‌های عربی نسبت به فارسی کم رنگتر است که زندگی و تجربیات ساده بادیه نشینان در این امر بی‌تاثیر نیست.

**واژگان کلیدی:** معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره تصویری، ضرب‌المثل‌های عربی، فرائد‌الادب.

## ۱. مقدمه

پیروان زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup> بر این باورند که تجربیات انسان از جهان خارج به صورت الگوهایی در ذهن طبقه‌بندی می‌شوند و زبان ابزاری برای انعکاس این نظام ذهنی است. «آنان زبان را نوعی فعالیت ذهنی به حساب می‌آورند که تمامی سطوح نحوی، صرفی، واجی و معنایی آن در تعامل و تبادل با یکدیگر هستند؛ به طوری که تعامل میان ذهن و زبان و تجربیات انسان از جهان پیرامون منتهی به درک، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی پدیده‌ها می‌شود.» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۶۳) از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی<sup>۲</sup> است که به بررسی رابطهٔ تجربه، نظام مفهومی، و ساختار معنایی زبان می‌پردازد و به شیوهٔ مفهوم‌سازی توجه دارد و با این تصور که ادراک انسان از تجارب جسمانی او نشأت می‌گیرد و این گونه امکان تفکر و تعقل را فراهم می‌سازد، به مطالعه زبان می‌پردازد. در این دیدگاه، ساختارهای تصویری انسان در دو زمینهٔ طرح‌وارهٔ تصویری<sup>۳</sup> و استعارهٔ مفهومی<sup>۴</sup> بررسی می‌شوند و طرح‌واره‌های تصویری، پایه و اساس شکل‌گیری استعاره را فراهم می‌کند. در نظریهٔ استعارهٔ مفهومی "یک حوزهٔ مفهومی در قالب حوزهٔ مفهومی دیگر بیان می‌شود؛ به گونه‌ای که حوزهٔ مقصد غالباً انتزاعی‌تر و حوزهٔ مبدأ، عینی‌تر و ملموس‌تر می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) در مطالعهٔ ضرب‌المثل‌ها می‌توان از دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و... استفاده نمود. در این میان، محققان شناختی، مثل‌ها را منبع مناسبی برای مطالعات خود دانسته و مکانیزم‌های مختلف شناختی همچون استعاره، مجاز، طرح‌وارهٔ تصویری و... را در تفسیر و درک مثل‌ها به کار می‌بندند. از دیدگاه آنان، طرح‌واره‌ها در مقولاتی چون طرح‌وارهٔ ظرف، طرح‌وارهٔ فضا، طرح‌وارهٔ نیرو، طرح‌وارهٔ جابجایی (حرکت)، طرح‌وارهٔ پیوستگی، طرح‌وارهٔ توازن و طرح‌وارهٔ وجود ظاهر می‌گردند (Evans, & Green, 2006: 190-191) بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ذهن گویشوران عرب‌زبان و مطالعهٔ ضرب‌المثل‌ها در زبان عربی بر اساس معنی‌شناسی شناختی، ما را با فکر، فرهنگ و روحیات اقوام عرب آشنا می‌کند. بر اساس دیدگاه شناختیون مبنی بر اینکه «انسان آنچه را از پدیده‌های ملموس تجربه کرده است، به صورت انگاره‌ای به حوزه مفاهیم انتزاعی تسری می‌بخشد»؛ این مقاله می‌کوشد انواع طرح‌واره‌های موجود در هزار مورد از ضرب‌المثل‌های فرائد الادب را بر اساس الگوی

طرح‌واره‌های اوانس و گرین در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی نماید؛ میزان کارآمدی انواع طرح‌واره‌های مطرح شده از جانب آنان را در تحلیل امثال عربی بسنجد؛ درصد فراوانی انواع طرح‌واره‌ها و برخی از دلایل کثرت نمود برخی طرح‌واره‌ها را تبیین نماید و در راستای آن به سؤالات ذیل پاسخ دهد: در مجموعه امثال فرائد الأدب، کدامین طرح‌واره‌ها از فراوانی بالاتری برخوردارند؟ تحلیل طرح‌واره‌های ضرب‌المثل‌های عربی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی چه فایده و اهمیتی دارد؟

مقاله حاضر بر بنیاد پژوهش‌های متن‌شناسی مثل‌ها و رویکرد توصیفی تحلیلی استوار است. بنابراین با گرینش تصادفی هزار مورد از ضرب‌المثل‌های فرائد الأدب به استخراج، تبیین و چگونگی عملکرد انواع طرح‌واره‌های موجود در آن پرداخته می‌شود تا چگونگی تسری ادراکات تجسمی به حوزه مفاهیم انتزاعی مورد ارزیابی قرار گیرد. فرضیه جستار حاضر این است که طرح‌واره‌های ظرف بودگی و طرح‌واره میزان، بالاترین فراوانی را در امثال عربی داراست. همچنین این‌که درک دقیق‌تر معانی عینی و استعاره‌ی ضرب‌المثل‌های عربی در کاربرد تجربی و انتزاعی آن در بستر معنی‌شناسی شناختی و طرح‌واره‌های تصویری حاصل می‌شود؛ چرا که بر اساس تجربه‌گرایی ذهن بشر، زبان را نمی‌توان جدای از تجسم بشری مورد مطالعه قرار داد.

## ۲. پیشینه تحقیق

مارک جانسن (۱۹۸۷) در کتاب بدن در ذهن، مبنای جسمانی معنا را بر حسب ساخت‌های طرح‌واره‌های تصویری مورد بررسی قرار داد. مولر و اورتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) تمامی پدیده‌های جهان خارج را باهم مرتبط دانسته و ذهن و زبان انسان را نیز از این امر استثناء نمی‌دانند. تامس (۲۰۰۳) نیز طرح‌واره‌ها را با داده‌های مغز انسان و شناخت و ادراک جهان مرتبط می‌داند. اوانس و گرین (۲۰۰۶) نیز در حیطه طرح‌واره‌های تصویری از شهرتی جهانی برخوردارند و «در توصیف نظریه طرح‌واره‌های تصویری از دو اصل اساسی در معنی‌شناسی شناختی بهره می‌گیرند: ۱- فرضیه‌ای که ساختار مفهومی از تجسم مشتق می‌شود و به آن «فرضیه تجسم یافته» نیز می‌گویند که مطابق با نظریه جانسن (۱۹۸۷) است. ۲- فرضیه‌ای که ساختار معنایی، ساختار

مفهومی را منعکس می‌کند و به آن «فرضیه شناخت مفهومی» می‌گویند. (روشن و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸) بولدجان و اردلیک<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «جایی که زبان‌شناسی و مثل-شناسی به هم می‌پیوندند: نگاهی مقابله‌ای - شناختی به ضرب‌المثل‌های کرووات و انگلیسی»<sup>۲</sup>، برای تحلیل مثل‌ها از ابزارهای شناختی استعاره مفهومی، مجاز، طرح‌واره‌های تصویری و نظریه ترکیب<sup>۱</sup> استفاده می‌کنند. در این راستا در ایران نیز پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده که مهمترین آن‌ها عبارتند از: سیمین آریان فر (۱۳۸۵) به «بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی بر اساس طرح‌واره‌های تصویری» پرداخته و بدین نتیجه رسیده که طرح‌واره<sup>۱</sup> فضا<sup>۱</sup> و عضو «دست» بالاترین میزان فراوانی در میان ضرب‌المثل‌های مورد بررسی را داشته‌اند. شعبانیان (۱۳۹۱) در بررسی «طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان» نتیجه گرفته که طرح‌واره<sup>۱</sup> مهارشدگی<sup>۱۲</sup> و طرح‌واره<sup>۱</sup> همسانی<sup>۱۳</sup> به ترتیب بالاترین درصد فراوانی را در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان داشته‌اند و همچنین مفهوم بدن و سپس جانور، بیشترین بسامد وقوع را در میان مفاهیم به‌کار رفته اشغال کرده‌اند. فضائی و شریفی (۱۳۹۲) در «بررسی طرح‌واره<sup>۱</sup> قدرتی در برخی از امثال فارسی» نتیجه گرفته‌اند که روحیه<sup>۱</sup> قوی ایرانیان در رفع مشکلات، از دیرباز تاکنون از ویژگی‌های روان‌شناختی آن‌ها می‌باشد. روشن و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ضرب‌المثل‌های شرق گیلان بر مبنای مدل طرح‌واره‌های تصویری ایوانس و گرین پرداخته‌اند. بختیاری و ایرجی (۱۳۹۵)، در بررسی «ضرب‌المثل‌های زبان فارسی با رویکرد طرح‌واره‌های تصویری»، نتیجه گرفتند که طرح‌واره<sup>۱</sup> شیء<sup>۱۴</sup> به درک بهتر ضرب‌المثل‌های فارسی کمک بیشتری می‌کند و طرح‌واره‌های حرکتی از بیشترین بسامد برخوردار است. یگانه و افراشی (۱۳۹۵) نیز با رویکرد شناختی به بررسی و تحلیل انواع استعاره‌های جهتی در قرآن کریم پرداخته‌اند. ولی در زبان عربی درباره تحلیل معنایی ضرب‌المثل‌های فرائد الادب در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی و تبیین انواع و میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در آن تحقیق مستقلی مشاهده نشده است که این امر لزوم انجام این پژوهش را سبب می‌شود.

### ۳. چهارچوب نظری

#### ۳-۱. زبان‌شناسی شناختی و معنی‌شناسی شناختی

در زبان‌شناسی شناختی، دانش زبانی انسان از توانایی شناختی انسان در سایر حوزه‌های شناختی متفاوت نیست. (1: Croft, & Cruse, 2004), همچنین دستور همان مفهوم‌سازی است و ساختار مفهومی را نمی‌توان به مطابقت‌های مشروط با صدق با جهان خارج تقلیل داد (همان: ۲) و از منظر تجربه‌گرایی «معنا و فکر و نظام‌های ادراکی انسان‌ها بر پایه حواس، تجارب فیزیکی و اجتماعی شکل می‌گیرند»<sup>۱۰</sup> (Lakeoff, 1987: xi) در معنی‌شناسی شناختی به ساخت مفهومی پرداخته می‌شود که انسان از تجربیات جهان خارج در ذهن خود منعکس ساخته است (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۶۷). شناختی‌ها رفتار زبانی را بخشی از استعداد‌های شناختی انسان می‌دانند (همان: ۳۶۸) و به دنبال ارائه یک ساختار مفهومی، آن هم به شیوه‌ای که ما جهان را تجربه می‌کنیم، هستند. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲) از دیدگاه آنان، معنا همان مفهوم‌سازی است و زبان به طور مستقیم واقعیت‌های جهان خارج را منعکس نمی‌کند. به عقیده لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) اندیشه انسان ماهیتی استعاری دارد و از اشیاء به شیوه‌ای که آن‌ها را تجسم می‌کنیم، سخن می‌گوییم.

#### ۳-۲. طراحی‌های تصویری

رفتارها و اعمال روزمره، ساخت‌های بنیادینی در ذهنمان شکل می‌دهد که از آن برای درک مفاهیم انتزاعی‌تر استفاده می‌کنیم. «حرکت انسان و کارکردن با اشیاء و تعامل ادراکی، الگوهایی را تشکیل می‌دهند که تکرار شونده هستند و بدون آنها تجربه ما غیر قابل درک است. مارک جانسون این الگوها را طرح‌واره‌های تصویری می‌نامد.» (Taylor, 2002: 178) «در زبان‌شناسی شناختی، طراحی‌ها سطح اولیه‌تری از ساخت شناختی زیربنای استعاره<sup>۱۱</sup> را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی ما را با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری نظیر زبان فراهم می‌آورند» (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۷۳).

### ۳-۳. ضرب المثل

امثال در واقع فشردۀ افکار هر قومی (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۴) و نمونه‌عالی از قریحۀ ادبی یک ملت است (بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۶) که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را به فکر فرو می‌برد (برقعی، ۱۳۶۴: ۵) چون حاصل میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته است که به آیندگان می‌رسد و آنان را با زندگی و آداب و رسوم پیشینیان آشنا می‌سازد» (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۴۵). فرائد الادب، مجموعه ضرب المثل‌هایی است گزینشی از مجمع الأمثال میدانی نیشابوری. این امثال دربردارندۀ خلیقات و به ویژه فرهنگ عرب‌های دوران قدیم بوده و طرح‌واره‌های گوناگونی در آن وجود دارد که شمای کلی فراوانی انواع آن در نمودار ذیل نمایان است:

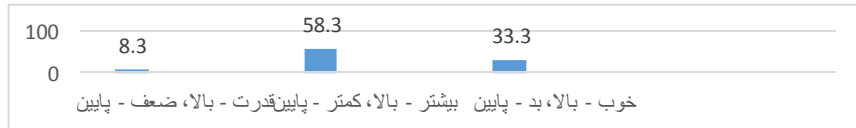


نمودار (۱) توزیع فراوانی انواع طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

### ۴. تحلیل طرح‌واره‌های تصویری موجود در فرائد الادب

#### ۴-۱. طرح‌واره فضا

شامل طرح‌واره‌های بالا - پایین، عقب - جلو، چپ - راست، دور - نزدیک، و مرکز - پیرامون است. (Evans, & Green, 2006: 190) هر شخصی با محور قرار دادن یک شیء یا جسم خود، وضعیت پدیده‌ها را نسبت به خودش یا آن شیء می‌سنجد و آن را در وضعیتی بالاتر، پایین‌تر و یا هم سطح آن درک می‌کند و این‌گونه طرح‌واره بالا - پایین در ذهن شکل می‌گیرد: *إِنَّ الْجَبَانَ حَتْفُهُ مِنْ فَوْقَهُ*<sup>۱۷</sup>؛ *إِرْحَمَ مِنْ دُونَكَ بِرَحْمِكَ مَنْ فَوْقَكَ*<sup>۱۸</sup>. در نمونه‌های فوق «مرگ، بالای سر انسان ترسو پنداشته شده، که به معنی چیرگی مرگ بر ترسو است. و «رحم کردن به زیر دست تا بالا دست رحم کند، به ترتیب نشانه ناتوانی زیردست و توانمندی بالادست است که به خوبی مفهوم «قدرت، بالا است» و «ضعف، پایین است» را نشان می‌دهد.



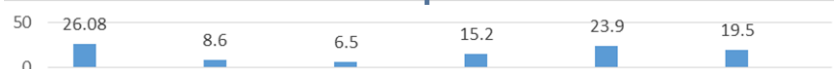
نمودار (۲) توزیع فراوانی مفهوم بالا - پایین در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

انسان به واسطه تجربه قرار گرفتن خود در میان سایرین و یا دیگر پدیده‌ها ممکن است خود را عقب‌تر و یا جلوتر از شخصی یا چیزی بیابد. درک همین موقعیت‌ها، طرحوارهٔ عقب - جلو<sup>۱۹</sup> را در ذهن می‌آفریند: *سَبَقَ سَيْلُهُ مَطْرَةَ*<sup>۲۰</sup>؛ *سَبَقَ دِرْتَهُ غِرَارُهُ*<sup>۲۱</sup>؛ *لَا يَضِيعُ حَقٌّ وَرَاءَهُ طَالِبٌ*<sup>۲۲</sup>. در نمونه‌های فوق به ترتیب، «سیل، جلوتر از باران»، «قلّت شیر، جلوتر از کثرت آن»، «طالب حق، عقب‌تر از حق» است که به ترتیب برای بیان مفاهیم انتزاعی قدرت و پیشی گرفتن «عمل از تهدید»، «بدی از خوبی»، «حق از طالبش» می‌باشد. تعیین جهت‌های چپ یا راست از کاربرد و اهمیت بالایی برخوردار بوده و به شکل قراردادی در ارتباطات و زندگی اجتماعی ما نیز نقش بازی می‌کنند و از درک این‌گونه تجارب مادی، «طرحوارهٔ چپ - راست»<sup>۲۳</sup> در ذهن شکل می‌گیرد: *أَلْزَمُ مِنَ الْيَمِينِ لِلشِّمَالِ*<sup>۲۴</sup>؛ *مَنْ لِيَ بِالسَّانِحِ بَعْدَ الْبَارِحِ*<sup>۲۵</sup>؛ *هُوَ عِنْدِي بِشِمَالٍ*<sup>۲۶</sup>. در نمونه‌های فوق شاهد تمایز ویژه‌ای بین جهت چپ و راست هستیم. به طوری که می‌توان جهت راست را جهت اصلی و دارای حس مثبت و نیک و جهت چپ را عکس آن دانست. در فرهنگ عرب از دوران قبل از اسلام تاکنون، جهت‌های چپ و راست مورد توجه زیادی قرار گرفته به طوری که جهت چپ معمولاً نماد بدشگونی و جهت راست نماد خوش‌بینی است. در قرآن کریم نیز این مسأله در قالب *أَصْحَابِ يَمِينٍ* و *أَصْحَابِ شِمَالٍ*، *أَصْحَابِ الْمِيمَنَةِ* و *أَصْحَابِ الْمَيْسَرَةِ*، دریافت‌نامه اعمال با دست راست یا چپ و ... نمود فراوانی دارد. همانطور که در احکامی چون وضو، غسل و... توجه ویژه‌ای به چپ و راست شده است.

تجربه حاصل از درک ساختار دور - نزدیک از پدیده‌های اطرافمان، طرحوارهٔ دور - نزدیک<sup>۲۷</sup> را در ذهن شکل می‌دهد: *كُلَّ آتٍ قَرِيبٍ*<sup>۲۸</sup>؛ *مَا أْبَعَدُ مَا فَاتَ وَمَا أَقْرَبُ مَا يَأْتِي*<sup>۲۹</sup>؛ *الْبُعْدُ جَفَاءٌ*<sup>۳۰</sup>. در نمونهٔ اول، آینده، پدیده‌ای انتزاعی است که به صورت مکانی که به آن نزدیک می‌شویم، تصور شده است. در مورد دوم، آنچه از دست رفته، اعادهٔ حصول آن دشوار است؛

بدین ترتیب آن را بمثابة مکانی دور در نظر گرفته و همچنین آنچه می‌آید، مکان نزدیکی در نظر گرفته شده است. در نمونه سوم، چون دور بودن از محبوب طاقت فرساست، نوعی جفا تلقی شده است.

انسان به واسطه تجربه این که برخی اعضای بدنش نسبت به برخی دیگر نقش اساسی و مرکزی دارند، امکان قائل شدن این ویژگی را برای موارد انتزاعی فراهم می‌سازد: واسطه القلاده؛<sup>۳۱</sup> جاور ملکاً أو بحراً؛<sup>۳۲</sup> أصلح نفسک یصلح لک الناس.<sup>۳۳</sup> در موارد فوق به ترتیب مهره گردنبنده، پادشاه و خود انسان، نقش مرکزی و اصلی را ایفا می‌کنند که باید به آن‌ها توجه بیشتری شود و به ترتیب؛ «مهره‌های جانبی گردنبنده»، «همسایه دریا یا پادشاه» و «مردم»، نقش پیرامونی گرفته‌اند که نسبت به نقش مرکزی، اهمیت کمتری دارند.



سطح مرکز - پیرامون - نزدیک - راست‌تعب - جلیباً لا - پایین

نمودار (۲) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌های فضا در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

#### ۲-۴. طرح‌واره ظرف بودگی<sup>۳۴</sup>

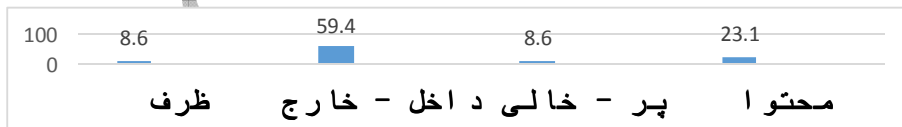
این طرح‌واره شامل طرح‌واره ظرف، طرح‌واره داخل-خارج، طرح‌واره سطح، طرح‌واره پر-خالی، طرح‌واره محتوا می‌باشد. تجربه‌های روزانه از ظرف می‌تواند قرار گرفتن در یک اتاق، یک فنجان چای، یخچال و فریزر و جز آن را شامل شود (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۱) در زندگی روزمره، بسیاری از مفاهیم را با استفاده از حروف اضافه‌ای همچون بیرون، بیرون از، داخل، به طرف داخل و... بیان می‌کنیم که همگی مربوط به طرح‌واره تصویری ظرف است. Evans & Green (2006: 180) یأتیك كلُّ غدٍ بما فيه؛<sup>۳۵</sup> وفي الأرض للحرِّ الكريم منابح؛<sup>۳۶</sup> هما زندان فی وعاء؛<sup>۳۷</sup> صدرک أوسع لسرک.<sup>۳۸</sup> در موارد فوق به ترتیب، روز به مثابه ظرفی در نظر گرفته شده که حوادث گوناگونی در آن واقع می‌شوند؛ انسان ارجمند و آزاده در پیاله زمین جایگیر شده است؛ نیکوکار و بدکار در یک ظرف در نظر گرفته شده‌اند. به عبارت دیگر برای روز، زمین، پیاله و سینه، حجم در نظر گرفته شده و چیزی در آنها واقع می‌شود.



انسان با تجربه قرار گرفتن خود و اشیاء داخل یا خارج از مکان‌هایی که دارای حجم بوده، طرحواره داخل خارج را در ذهن خود خلق می‌کند: *حَظٌّ جَزِيلٌ بَيْنَ شِدْقِي ضَيْغُمٍ*<sup>۳۹</sup> حافظ علی الصدیق *وَلَوْ فِي الْحَرِيقِ*<sup>۴۰</sup> *رُئِيَ فِي عَيْنِ وَالِدٍ وَوَلَدِهِ*<sup>۴۱</sup>. در نمونه‌های فوق به ترتیب آرواره شیر، آتش و چشم پدر به‌مثابه ظرف تلقی شده‌اند که چیزی داخل یا خارج آن قرار می‌گیرد. در نمونه‌های ذیل نیز شاهد وجود حضور مفاهیم غیرمادی و غیر حسی همچون خنده، سختی‌ها، خاطر خواهی، آرزو، و ... هستیم که جهت سهولت درک به منزله ظرف تلقی شده‌اند: *المؤمن بشره في وجهه وحزنه في قلبه*<sup>۴۲</sup> *بقبقه في زرقفه*<sup>۴۳</sup> *تركبهم في حيص بيص أو حيص بيص*<sup>۴۴</sup> ... استفاده مکرر از اصطلاح داخل و بیرون سبب می‌شود مقادیر زیادی از پدیده‌ها و تجربه‌های روزمره ما بعنوان نمونه‌هایی از مفهوم طرح‌واره‌ای ظرف مقوله‌بندی شوند.

عرب‌زبان‌ها با تجربه پر یا خالی بودن ظرف‌ها یا احجام فیزیکی، انگاره‌ای در ذهنشان شکل گرفته که همان طرحواره پر - خالی است: *لا تخرج النفس من الأمل حتى تدخل في الأجل؛ خلا لك الجو فيضی واصفوی؛ مرعی ولا أكوله*. در نمونه‌های فوق «نفس آدمی»، «فضا»، و «چراگاه» به‌مثابه ظرف تلقی شده‌اند که به ترتیب «خالی از آرزو، پرنده و چرنده» می‌باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که آنچه مردم از تجربه‌های مادی پر و یا خالی بودن ظرف‌ها درک نموده‌اند، در ذهنشان ذخیره گشته و بعنوان طرح‌واره‌های تصویری در نظام شناختی آنان مدفون گشته و به زبانشان راه یافته است.

مشاهده و درک محتویات داخل احجام، طرحواره محتوا را در ذهن تشکیل می‌دهد: *لو كان في البومة خير ما تركها الصياد؛ رمتني بدائها وانسلت؛ سيرك من دمك؛ الشر أحب ما أوعيت من زاد*<sup>۴۵</sup> در ضرب‌المثل‌های فوق به ترتیب «خیر»، «عیب و ایراد»، «ران» و «شرارت»، محتوای ظرف‌ها قلمداد شده‌اند.



نمودار ( ۴ ) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره ظرف بودگی در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

#### ۳-۴. طرح‌واره جابجایی<sup>۴۹</sup>

انسان به واسطه تجربه‌ای که از حرکت خود و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک در جهان به دست آورده است، طرح‌واره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود شکل می‌دهد. (غفاری، ۱۳۸۴: ۹۵) طرح‌واره نیروی جنبش، طرح‌واره مبدأ، طرح‌واره میسر و طرح‌واره مقصد از زیرمجموعه‌های این طرح‌واره‌اند.

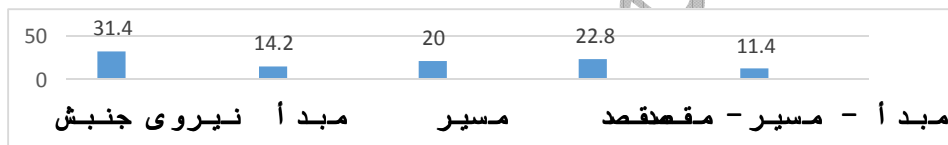
تجربه حاصل از اعمال نیروی جنبش و به حرکت منجر شدن چیزی، طرح‌واره نیروی جنبش<sup>۵۰</sup> در ذهن انسان تشکل شده و به برخی از مفاهیم انتزاعی تسری می‌یابد: *مَنْ جَدَّ وَجَدَ*<sup>۵۱</sup> *مَنْ جَالَ نَالَ*<sup>۵۲</sup>؛ *الْحَرَكَةُ بَرَكَةٌ*<sup>۵۳</sup> در نمونه اول، کوشش، مقدمه یافتن و در مورد دوم، گذشتن، لازمه دستیابی به چیزی و در نمونه سوم، حرکت، مایه برکت است و در همه موارد برای رسیدن به نتیجه‌ای، باید حرکتی صورت گیرد که در این حرکت، نیروی جنبش وجود دارد.

با مشاهده و تجربه حرکت پدیده‌ها از یک نقطه‌ای، طرح‌واره مبدأ در ذهن آدمی شکل می‌گیرد که در زبان فارسی، نقطه آغاز حرکت غالباً با حرف اضافه «از» و در عربی با حرف جر "من" همراه است. *تَرَكَ ظَلِيَّ ظَلَهُ*<sup>۵۴</sup> *أَتَرَكَ الشَّرَّ يَتَرَكَكَ*<sup>۵۵</sup> در نمونه‌های فوق «ظِلًّا»، مکان خوبی در نظر گرفته شده که آهو از آنجا رفته است و «شَرًّا» مکان بد و خطرناکی لحاظ شده که از شخص خواسته می‌شود آنجا را ترک کند.

طرح‌واره مسیر با مشاهده حرکت پدیده‌ها در یک مسیر در ذهن انسان شکل می‌گیرد: *إِذَا قَطَعْنَا عِلْمًا بَدَأَ عِلْمٌ*<sup>۵۶</sup> *دُونَهُ النَّجْمُ*<sup>۵۷</sup> *سَيْلٌ بِهِ وَهُوَ لَا يَدْرِي*<sup>۵۸</sup> *الْحَسَنَةُ بَيْنَ السَّيِّئَاتَيْنِ*<sup>۵۹</sup> در مثال اول، شخصی با طی مسافت و مسیری، به کوهی رسیده، پس آن کوه، مسیری برای رسیدن به کوه دیگر شد که معنی انتزاعی بروز پیوسته مشکلات را تداعی می‌کند. در مثال دوم، ستاره به مثابه مسیری برای رسیدن به مقصد پنداشته شده است. در مورد سوم، شخصی از آسیب‌هایی که به وی رسیده بی‌خبر بوده و متوجه غرق شدن در سیل نیست. در مورد بعدی «خوبی» به مثابه مسیری میان دو بدی در نظر گرفته شده که معنای انتزاعی «میان‌روی» را تداعی می‌کند.

با مشاهده متوقف شدن اشیاء در حال حرکت در جهان خارج، در ذهن شکل می‌گیرد که در فارسی با حرف اضافه «به» و در عربی با «إلی» همراه است: *بَلَغَ السُّكَّيْنُ الْعِظْمَ*<sup>۶۰</sup> *يَحْمِلُ النَّمْرَ إِلَى الْبَصْرَةِ*<sup>۶۱</sup> *إِذْ هَبَّ إِلَى حَيْثُ أَلَقَتْ رَحْلَهَا أُمَّ قَشْعَمَ*<sup>۶۲</sup> در نمونه‌های فوق به ترتیب، چراگاه،

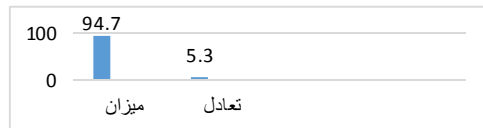
استخوان، بصره و آتش به منزله مقصد پنداشته شده و تجربه انسان از همین تجربیات مادی که با حرکت کردن به مقصدی می‌رسد، در درک مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود. با تجربه حرکت یک شیء یا شخص که از نقطه‌ای شروع شده، از مسیری می‌گذرد تا به مقصد برسد، طرحواره مبدأ - مسیر - مقصد<sup>۶۳</sup> در ذهن شکل می‌گیرد: لا يَتْرُكُ السَّاقَ إِلَّا مُمَسِّكاً سَاقاً؛<sup>۶۴</sup> كَالْمُسْتَجِيرِ مِنَ الرَّمْضَاءِ بِالنَّارِ؛<sup>۶۵</sup> كَمْ نَيْنٍ مُرِيدٍ وَمُرَادٍ.<sup>۶۶</sup> در نمونه اول، شخص از «شاخه‌ای» به عنوان مبدأ به «شاخه‌ای» دیگر (مقصد) می‌رسد و مسیری را هم باید طی کند. در مثال دوم شخصی از حوزه مبدأ (زمین داغ)، مسیری را پیموده تا به مقصد (آتش) پناه ببرد و در مثال پایانی نیز «مرید» به منزله مبدأ، و «مراد» به منزله مقصد پنداشته شده که مسیر میان آن دو بسیار طولانی است.



نمودار (۵) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره حرکتی (جابجایی) در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

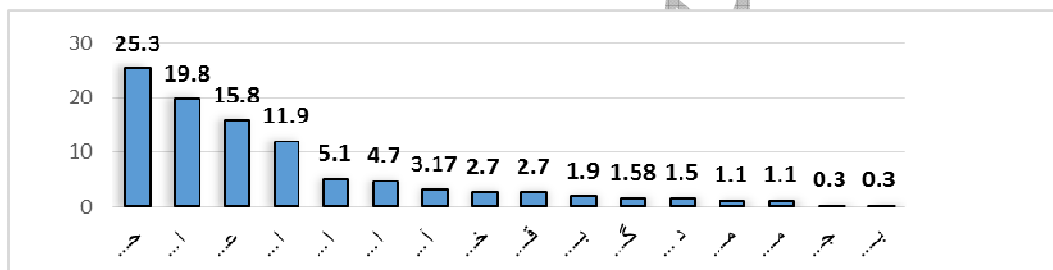
#### ۴-۴. طرحواره توازن (تعادل)

با مشاهده و درک توازن و تعادل بین پدیده‌ها در ذهن شکل می‌گیرد که شامل طرحواره‌های میزان و تعادل می‌باشد. با تجربه حاصل از بررسی ویژگی پدیده‌ها و درک شباهت میان خود یا دیگران و آن پدیده، شکل می‌گیرد: أدب المرء خیر من ذهب؛<sup>۶۷</sup> أبعد من النجم؛<sup>۶۸</sup> أتبع من الظل؛<sup>۶۹</sup> ربّ حال أفصح من لسان؛<sup>۷۰</sup> ليس الخبر كالمعاينة.<sup>۷۱</sup> این مثل‌ها و نمونه‌های فراوان مشابه آن، نشان می‌دهد که ذهن دائماً در حال مقایسه کردن است تا از این طریق، به میزان وجود خصوصیتی در انسانی پی ببرد و او را در ادب، شرارت، نادانی و هزاران ویژگی دیگر با حیوانات، عناصر طبیعت، اشیاء و... مقایسه نماید.



نمودار ( ۶ ) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌ی توازن (تعادل) در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

از طریق مشاهده تعادل بین پدیده‌ها شکل می‌گیرد: لا تَكُنْ حُلُوًّا فَتُسْتَرْطَ وَلَا مُرًّا فَتَعْقَى؛ لا تَكُنْ رَطْبًا فَتَعْمَرُ وَلَا يَابَسًا فَتُكْسَرُ. در نمونه‌های فوق به ترتیب بین «تلخ - شیرین» و «تر - خشک» ارتباطی برقرار شده که به نقطه تعادل بین هر جفت اشاره شده است.



نمودار ( ۷ ) توزیع فراوانی انواع حوزه‌های مبدأ موجود در طرح‌واره میزان در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

#### ۴-۵. طرح‌واره نیرو - قدرتی<sup>۷۲</sup>

با مشاهده و درک نیروهای موجود در طبیعت و تأثیر آن‌ها بر روی هم در ذهن شکل می‌گیرد و شامل طرح‌واره‌هایی چون: توانایی، اجبار، مانع، رفع مانع، انحراف و مقاومت می‌باشد، Evans (190: 2006 & Green) طرح‌واره توانایی با تجربه حاصل از مشاهده اعمال انرژی موجودات در انجام امور در ذهن شکل می‌گیرد: (Evans, & Green, 2006:189) بنان کفّ لیس فیها ساعد؛<sup>۷۳</sup> إِذَا جَاءَ الْحَيْنُ حَارَتِ الْعَيْنُ؛<sup>۷۴</sup> مَا جِيلَةَ الرَّأْيِ إِذَا انْقَطَعَ الْوَتْرُ.<sup>۷۵</sup> در موارد فوق، نوعی عدم توانایی وجود دارد. در نمونه اول، انگشتان بدون بازو نمی‌توانند از عهده انجام کاری بر بیایند. در نمونه دوم، مرگ، توانایی انجام هر کاری را از متوفی می‌گیرد و در نمونه سوم، تیرانداز با کمانی که زه آن پاره شده، نمی‌تواند تیراندازی کند.

یکی دیگر از زیر مجموعه‌های طرحواره نیرو، طرحواره اجبار است: *مَارِيَةٌ لَا حَقَاوَةَ؛ كُلُّ الْجَذَاءِ يَحْتَدِي الْحَافِي الْوَقْع؛ الضَّرُورَاتُ تُبَيِّحُ الْمَحْظُورَات.*<sup>۷۸</sup> در مثال اول، شخصی از روی نیاز مجبور است کاری را انجام دهد؛ در مورد دوم، شخصی که پاهایش زخمی است، جهت پیمودن مسیر سنگلاخی و صعب‌العبور مجبور می‌شود هر کفشی را بپوشد و در مورد سوم، نیازها انسان را وادار می‌سازد که نارواها را جایز شمارد. این مثال‌ها نشان می‌دهد انسان با تجربه پدیده‌هایی که در جهان پیرامونش تحت تأثیر نیرویی قرار گرفته، طرحواره اجبار در ذهنش ایجاد می‌شود و در مفهوم‌سازی امور انتزاعی آن‌ها را به کار می‌بندد.

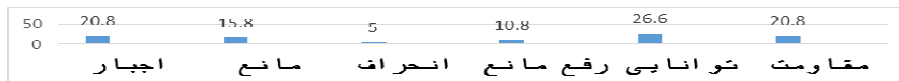
طرحواره مانع نیز در مثال‌های ذیل مشهود است: *رُبَّ أَكَلَةٍ مَنَعَ أَكْلَاتٍ؛ حَالُ الْجَرِيضِ دُونَ الْقَرِيضِ؛ حَالُ الْأَجَلِ دُونَ الْأَمَل.*<sup>۸۱</sup> در مثال اول، خوردن لقمه‌ای فاسد، موجب بیماری می‌شود و به دنبال آن، بیمار باید پرهیز نماید و این‌گونه، این لقمه مانع خوردن غذاهای دیگر می‌گردد. در مثال دوم، اندوه شدید، مانع شعر سرودن می‌گردد و در مورد سوم نیز در رسیدن مرگ، اجازه نمی‌دهد شخص به آرزوهایش برسد.

نمونه‌هایی از طرحواره انحراف در مثال‌های ذیل مشهود است: *إِنْ جَانِبُ أُعْيَاك فَالْحَقُّ بِجَانِبٍ؛ يَسْتَفُّ التُّرَابَ وَلَا يَخْضَعُ لِأَحَدٍ عَلَى بَابٍ؛ مَنْ أَجْدَبَ انْتَجَعَ.*<sup>۸۲</sup> در نمونه‌های فوق به ترتیب پهلوی خسته، فقر و خشکسالی به مثابه موانعی برای رسیدن به خواسته و هدف مورد نظر، قرار گرفته‌اند و وقتی شخصی با آن‌ها برخورد می‌کند، به نوعی مانع را دور می‌زند و راه انحرافی در پیش می‌گیرد.

زمانی که مانع از مقابل نیرو برداشته شده و نیرو آزاد می‌شود طرحواره رفع مانع به وجود می‌آید. (Evans, & Green, 2006: 188) *مَنْ خَطَبَ الْحَسَنَاءَ يُعْطِي مَهْرَهَا؛ لَيْسَ لِسُلْطَانِ الْعِلْمِ زَوَالٌ.*<sup>۸۳</sup> در مورد اول، مهریه، مانعی برای ازدواج با زیباروی است و جهت رسیدن به هدف، باید این مانع را کنار زد. در مثال دوم نیز دانش، تمامی موانع را کنار می‌زند و این‌گونه، دانشمند به تمامی اهدافش می‌رسد.

با تجربه پدیده‌هایی که در برابر اعمال نیروی چیزی از خود مقاومت نشان می‌دهند، طرحواره مقاومت شکل می‌گیرد. (Evans, & Green, 2006:189) *الْحُرُّ حُرٌّ وَإِنْ مَسَّهُ الضَّرُّ؛ الإِحْسَانُ يَقْطَعُ اللِّسَانَ؛ خَالِفِ هَوَاكَ تَرَشُدُ.*<sup>۸۴</sup> در مثال‌های فوق به ترتیب انسان

آزاده در برابر گرفتاری‌ها مقاومت می‌کند و به ذلت تن در نمی‌دهد؛ نیکوکار با نیکی کردن در برابر سرزنش‌ها و هجوها مقاومت نشان می‌دهد و در مورد سوم نیز مقاومت در برابر هوای نفس، راهی برای رسیدن به هدایت تلقی شده است.



نمودار (۸) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره نیرو در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

#### ۴-۶. طرح‌واره پیوستگی<sup>۹۰</sup>

از طریق تجربه زندگی اجتماعی خود و زندگی موجودات بطور گروهی و روابط موجود بین آن‌ها، این طرح‌واره در ذهن شکل می‌گیرد که شامل زیرمجموعه‌هایی چون اتحاد، مجموعه، شکافتن، تکرار، کل - جزء، و ارتباط می‌باشد (Evans, & Green, 2006: 191) طرح‌واره اتحاد با تجربه حاصل از به هم پیوستن پدیده‌ها شکل می‌گیرد: لا تَدْخُلُ بَيْنَ الْبَصَلَةِ وَقَشْرِهَا؛<sup>۹۱</sup> لا تَدْخُلُنْ بَيْنَ الْعَصَا وَلِحَائِهَا؛<sup>۹۲</sup> بِئْسَ الرَّدْفُ لَا بَعْدَ نَعَمٍ.<sup>۹۳</sup> در مثال‌های فوق، میان پیاز و پوست آن نوعی پیوستگی در نظر گرفته شده و از مخاطب خواسته که میان خویشان تفرقه نیندازد. در مورد دوم نیز ارتباط تنگاتنگی بین چوب دستی و پوست آن وجود دارد و این پیوستگی به رابطه میان دوستان صمیمی تسری داده شد. مثال سوم از مخاطب می‌خواهد که پس از گفتن «آری» به کسی، «نه» نگوید؛ چون بین این دو واژه پیوستگی لازم جهت هم‌نشینی وجود ندارد.

طرح‌واره شکافتن با تجربه حاصل از جدا شدن اجسام و موجودات ایجاد می‌شود: بَرِيْتُ قَائِبَهُ مِنْ قُوبٍ؛ تَفَرَّقُوا أَيُّدِي سَبَا أَوْ أَيَادِي سَبَا. در مثال‌های فوق، در بیرون آمدن جوجه از تخم مرغ و پراکنده شدن اقوام سبا از همدیگر نوعی شکاف و جدایی وجود دارد.

طرح‌واره کل - جزء با تجربه حاصل از درک اجسام به صورت یک کل و مشاهده جزئیات آن شکل می‌گیرد: حُذِ الْأَمْرَ بِقَوَابِلِهِ؛<sup>۹۴</sup> أَنْفُكَ مِنْكَ وَإِنْ كَانَ أَجْدَعُ؛<sup>۹۵</sup> الْجُنُونُ فُنُونٌ.<sup>۹۶</sup> در مثال‌های فوق به ترتیب پذیرفتن کاری با مقدمات، نتایج و عواقب آن، به منزله یک کل دارای اجزاء در نظر گرفته شده است؛ بینی بریده، جزئی از کل بدن در نظر گرفته شده و غیر مستقیم از مخاطب می‌

خواهد هم‌نوعان ضعیف را به عنوان عضوی از مجموعه‌اش بپذیرد و از آن‌ها نگریزد و در مورد اخیر، دیوانگی انواعی دارد که ویژگی مشترکی همه آن‌ها را در یک مجموعه گرد آورده است.



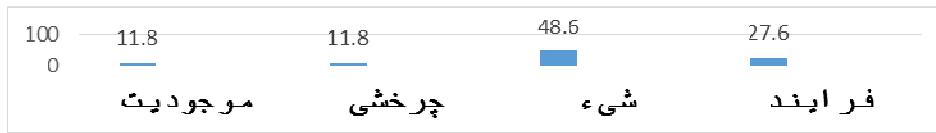
نمودار ( ۹ ) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره پیوستگی (اتحاد) در ضرب‌المثل‌های فرآید الادب

#### ۴-۷. طرحواره انطباق و این همانی<sup>۹۷</sup>

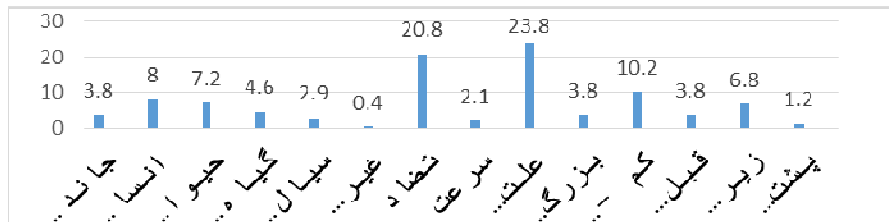
از طریق مشاهده و کشف شباهت پدیده‌های گوناگون در ذهن نقش می‌بندد (Evans, & Green, 2006:188) «أشبهه من الماء بالماء؛<sup>۹۸</sup> إن الطيور على أشكاليها تقع؛<sup>۹۹</sup> ما أشبهه اللبنة بالبراحة.<sup>۱۰۰</sup> در مثال اول، برای تبیین وجود شباهت تام بین دو چیز، از تجربه وجود شباهت بین آب‌ها بهره گرفته شده و با هم بودن پرندگان هم‌جنس در مثال دوم، به گردهم آمدن اشیاء، موجودات و مفاهیم هم جنس تعمیم داده شده و در مثال سوم نیز از وجود شباهت بین امشب و دیشب برای بیان مفهوم وجود مشابهت بین دو زمان مختلف استفاده شده است.

#### ۴-۸. طرحواره وجود:<sup>۱۰۱</sup>

با تجربه حاصل از حضور انسان در مکانی و یا وجود اشیائی در پیرامونش شکل می‌گیرد و شامل زیر مجموعه‌هایی چون موجودیت، شیء، فرایند و... است: (Evans & Green, 2006: 191) «حَدِيثُ خُرَافَةَ؛<sup>۱۰۲</sup> إِسْمَعِ وَلَا تُصَدِّقْ؛<sup>۱۰۳</sup> قَدْ اسْتَسَمَّنْتَ ذَا وَرَمٍ؛<sup>۱۰۴</sup> در مورد اول با خرافه دانستن سخن، به حقیقت نداشتن و عدم وجود چیزی اشاره شده و در مثال دوم نیز به غیر واقعی بودن و عدم وجود چیزی اشاره شده است در مثال بعدی، پف بودن را به مفهوم انتزاعی گول زنده بودن ظاهر شخصی یا چیزی تعمیم داده و تجربه حاصل از وجود یا عدم وجود اشیاء را به مفاهیم انتزاعی نسبت داده است.



نمودار ( ۱۰ ) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌های وجود در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب



نمودار ( ۱۱ ) توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌های متفرقه در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

## ۵. بحث و بررسی

در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب، طرح‌واره‌ی توازن بیشترین توزیع فراوانی را داراست و طرح‌واره‌های نیرو، پیوستگی، این‌همانی، وجود، ظرف‌بودگی، فضا و حرکت به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. در طرح‌واره‌ی فضا، طرح‌واره‌ی بالا - پایین از بیشترین فراوانی برخوردار بوده و طرح‌واره‌های مرکز - پیرامون، سطح، دور - نزدیک، عقب - جلو و چپ - راست در مراتب بعدی قرار دارند. در حیطه‌ی طرح‌واره‌ی ظرف‌بودگی، طرح‌واره‌های داخل - خارج، محتوا، پر - خالی و ظرف به ترتیب از بیشترین و کمترین شدت بسامد برخوردارند. در زمینه‌ی طرح‌واره‌ی حرکتی، طرح‌واره‌ی نیروی جنبش، بیشترین تعداد ضرب‌المثل را دارا است و در طرح‌واره‌ی توازن نیز طرح‌واره‌ی میزان. در حیطه‌ی طرح‌واره‌ی پیوستگی، طرح‌واره‌ی کل - جزء از بیشترین بسامد و طرح‌واره‌های ارتباط، اتحاد و شکافتن از فراوانی کمتری برخوردارند. در طرح‌واره‌ی میزان، حوزه‌ی مبدأ حیوان بیشترین تعداد مفهوم مبدأ به کار رفته را داراست و حوزه‌ی های مبدأ اعمال انسان، عناصر طبیعت، اشخاص مشهور، اشیاء، اعضای بدن، غذاها، اقوام و گروه‌ها، بناها و ساختمان‌ها، گیاهان، دنیا و روزگار، مکان‌ها و اموال، بیماری و جواهرات در مراتب بعدی قرار دارند.

شدت فراوانی طرح‌واره میزان و تعادل و استفاده فراوان از افعال تفضیلی‌ها بیانگر این است



که ذهن عرب زبان پیوسته در حال مقایسه هر چیزی یا شخصی با دیگر پدیده‌های پیرامونش می‌باشد. فراوانی بالای طرحواره نیرو که با تفاوت اندکی در مرحله بعد قرار دارد به خوبی بیانگر میزان فعالیت آنان جهت رسیدن به نیازهایشان است. در حیطه طرحواره نیرو، طرحواره توانایی از بیشترین بسامد، و طرحواره‌های مقاومت و اجبار، مانع و... در مراتب بعدی قرار دارند که این امر نشان می‌دهد که انسان‌ها تجربه مقاومت در برابر پدیده‌های فیزیکی را مبنا قرار داده و آن را به مفاهیم انتزاعی‌ای که فاقد ویژگی مقاومت در برابر نیروهای فیزیکی هستند، تسری می‌دهد. همچنین در مثل‌های عربی طرحواره نیرو و مانع رابطه عکس دارند؛ یعنی هرچه نیرو و تلاش و مقاومت بیشتر باشد، مانع کمتر ملاحظه می‌شود؛ همانگونه که در مثل‌های عربی اینگونه است. طرحواره چپ و راست بیشتر در صداقت، خیر و برکت، مقام و منزلت و همچنین مثل‌هایی نمود دارد که حاصل پندهای دانشمندان و پیشوایان بوده و حکمت گونه است. طرحواره ظرف بودگی و زیرمجموعه‌های آن نیز از بسامد بالایی برخوردار بوده و عرب زبان برای بیان مفاهیم مربوط به زمان، حالات انسانی، سختی‌ها، غم و آرزو، اسراف، تلاش، شرارات و... از تجربیاتی که با ظرف و مطروف داشته سود جسته است. طرحواره حرکت نیز خودش را در تلاش و جویندگی، کسب معاش، مسافرت، کوچ و جنگ نشان داده و به خوبی زندگی اعراب را به تصویر می‌کشد. حیوانات به عنوان یکی از مهمترین مظاهر خلقت در میان بدویان بخش قابل توجهی از ادبیات مثل‌ها را به خود اختصاص داده است؛ زیرا حیوانات اهلی مهمترین منبع امرار و معاش عرب‌زبانان بود و حیوانات وحشی و همچنین حیوانات جانوران خیالی در ادبیات مثل‌ها بخصوص مثل‌های منظوم بر وزن فراوانی دارد و به خوبی تصویرگر شیوه زندگی و تجربیات محیطی آنان است. اعضای بدن انسان در مثل‌های عربی نمود شدیدی دارد؛ چون بدن اولین و ملموسترین عنصری بود که در اختیارشان بوده و به همین دلیل شدت این فراوانی، عجیب و دور از ذهن نیست. در بین اعضای بدن انسان، دست و پا، بیشترین میزان حوزه‌های مبدأ را به خود اختصاص داده که این مساله نیز توجیه شناختی دارد؛ چون این دو عضو بیشترین کارکرد را در زندگی بدویان به خود اختصاص داده و در دامداری، کشاورزی، کوچ، جنگ و... به کمکشان آمد. اعمال انسان، عناصر طبیعت، اشخاص مشهور و... نیز در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد میزان فراوانی حوزه‌های مبدأ در مثل‌ها نیاز چندانی به تحلیل و تفسیر ندارد و نمایش شدت بسامد هر یک از این حوزه‌ها، به

خوبی جلوه‌گر محیط زندگی صاحبان این مثل‌ها بوده و تابلویی از شیوه زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم آنان را در برابر دیدگان مجسم می‌نماید. نتیجه اینکه محیط و فضای زندگی در شکل-گیری طرحواره‌های ذهنی و ساخت‌های استعاری مربوط به آن نقش فراوانی دارد.

### ۶. نتیجه‌گیری

در ضرب‌المثل‌های فراند، طرحواره توازن بیشترین توزیع فراوانی را داراست و طرحواره‌های نیرو، پیوستگی، این‌همانی، وجود، ظرف بودگی، فضا و حرکت در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. شدت فراوانی طرحواره میزان و تعادل نشان می‌دهد ذهن عرب‌زبان پیوسته در حال مقایسه است. فراوانی بالای طرحواره نیرو به خوبی بیانگر میزان فعالیت اعراب است. همچنین در مثل-های عربی طرحواره نیرو و مانع رابطه عکس دارند. طرحواره چپ و راست بیشتر در خیر و برکت، مقام و منزلت و همچنین مثل‌های حکمت گونه که حاصل پندهای پیشوایان است، نمود دارد. طرحواره حرکت نیز خودش را در تلاش و جویندگی، کسب معاش، مسافرت، کوچ و جنگ نشان داده و به خوبی زندگی اعراب را به تصویر می‌کشد. حیوانات گوناگون و عناصر طبیعت با توجه به نقش و حضوری که در زندگی اعراب داشته‌اند، بخش برجسته‌ای از ادبیات مثل‌های عربی را به خود اختصاص داده و جایگاه برترشان را در زبان نیز حفظ کرده‌اند. فعالیت‌های انسانی و اعضای بدن نیز بخش مهمی از حوزه‌های مبدأ ضرب‌المثل‌ها را از آن خود کرده و تجارب عینی کاربرد اعضاء در زندگی، الگوی انتقال مفاهیم قرار گرفته است؛ زیرا بدن ملموس‌ترین عنصری است که در اختیار اعراب بوده و به همین دلیل، شدت فراوانی آن چندان عجیب نیست. در بین اعضای بدن، دست و پا بیشترین میزان حوزه‌های مبدأ را به خود اختصاص داد؛ چون بیشترین کارکرد را در زندگی بدویان داشت. نمایش شدت بسامد هر یک از این حوزه‌های مبدأ در نمودارهای ارائه شده، به خوبی جلوه‌گر محیط زندگی صاحبان این مثل‌ها بوده، شیوه زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم آنان را مجسم نموده و نشان می‌دهد بافت این مثل‌ها به شدت تحت تاثیر محیط و فضای حاکم بر زندگی اعراب بوده است. عرب‌زبان موارد ملموس را به امور انتزاعی تسری می‌دهد، مثلا با وجود مکان به زمان پی برده و آن را درک می‌کند و به ندرت، عکس آن اتفاق می‌افتد. طرحواره‌ها معمولا از وجوه مختلفی از تجارب گرفته می‌شوند، ولی این تعدد وجوه در ضرب‌المثل‌های عربی کم رنگتر است و نسبت به

مثلهای فارسی در کمتر مواردی می‌توان شاهد وجود طرحواره‌های خوشه‌ای و شبکه‌ای از چند طرحواره بود که زندگی و تجربیات ساده بادیه نشینان در این امر بی‌تاثیر نیست.

### ۷. پی‌نوشت‌ها

1. cognitive linguistics
2. cognitive semantics
3. image schema
4. conceptual metaphor
5. The Body in Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason
6. Muller, & W. F. Overton
7. "How to Grow a Baby: A Reevaluation of Image-Schema and Piagetion Action Approaches to Representation",
8. Boldajan & Ordalic
9. «Where cognitive linguistics meets paremiology: A cognitive-contrastive view of selected English and Croatian proverbs».
10. blending theory
11. locomotion schema
12. inhibition schema
13. identity schema
14. object schema
15. back – front schema
16. right-left schema
17. near – far schema
18. containment schema
19. locomotion schema
20. momentum schema
21. source – path - destination schema
22. force schema
23. unity schema
24. identity schema
25. existence schema

### ۸- منابع و مآخذ

- آریزپور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.

- آریان فر، سیمین (۱۳۸۵). "بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس طرح-واره‌های تصویری در چارچوب معنی‌شناسی شناختی". پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا: دانشکده ادبیات و زبان‌ها.
- افراشی، آزیتا؛ تورج حسامی و بثاتریس سالاس (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهت‌ی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. ش ۴ (پیاپی ۱۲). د ۳. صص ۱-۲۳.
- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- بختیاری تربتی، الهام و مریم ایرجی (۱۳۹۵). *ضرب‌المثل‌های زبان فارسی با رویکرد طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی*. چاپ اول. تهران: راشدین.
- برقی، سید یحیی (۱۳۶۴). *کاوشی در امثال و حکم فارسی*. قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- بهمنیار، احمد (۱۳۸۱). *داستان‌نامه بهمنیاری*. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- روشن، بلقیس، فاطمه یوسفی راد و فاطمه شعبانیان (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان». *زبان شناخت*. پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی. س ۴. ش ۲. صص ۷۵-۹۴.
- سروش، تفضلی (۱۳۸۷). *بهترین حرف‌های دنیا*. قزوین: سایه گستر.
- شعبانیان، فاطمه (۱۳۹۱). "طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان". پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد مرکز تهران.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها*. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۵). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *معنی‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم. تهران: همشهری.

- فضائی، مریم و شهلا شریفی(۱۳۹۲). «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، دوره اول، ۸ : ۱۴۴-۱۳۱.
- غفاری، مهبد (۱۳۸۴). «بررسی فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه معنی‌شناسی شناختی لیکاف». پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- گفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». *تازه‌های علوم شناختی*. س ۴. ش ۱۵. صص ۶۴-۵۹.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». *ادب پژوهی*. س ۴. ش ۱۲. صص ۱۳۹-۱۱۹.
- هاوکس، ترنس (۱۳۹۴). *استعاره*. مترجم: فرزانه طاهری. چاپ پنجم. تهران: مرکز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). «معنی و بیان». به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.
- یگانه، فاطمه و آریتا افراشی(۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۵ (پیاپی ۳۳). صص ۱۹۳-۲۱۶.
- Buljan, G;\_Tanja Gradečak-Erdeljić, «Where cognitive linguistics meets paremiology: A cognitive-contrastive view of selected English and Croatian proverbs». (ExELL) *Explorations in English Language and Linguistics*, Vol 1, 1(2013): 62-83.
- Croft, W.& A. Cruse. (2004). *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V.& Green (2006). *Cognitive Linguistics An Introduction*. Edinburgh University press.
- Johnson, M.(1987). *The Body in Mind. The Boldly Basis Of Meaning Imagination and Reason*, vol 4, Chicago: University Of Chicago Press.
- Lakoff, G.& M. Turner. (1989). *A Field Guide To Poetic Metaphor*, Chicago: The University Of Chicago Press,
- Lakoff, G.(1987). *Woman, fire and dangerous thing. What categories reveal about the mind*. Chicago: university of Chicago press.

- Langacker, R. (1991) *Foundation Of Cognitive Grammar*. Vol ii, Stanford: Stanford University Press.
- Muller, U. & W. F. Overton (1998). "How to Grow a Baby: A Reevaluation of Image-Schema and Piagetion Action Approaches to Representation", *HumanDevelopment*, (Karger AG). Vol. 41, Issue 2.
- Talmy, L. (2000) *Toward a Cognitive Semantics*, Vol 2, Cambridge: MA: MIT Press.
- Taylor, J. (2002). *Cognitive Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Thomas, N. J. T (2003). *A Note on Image and Image Schema*, <http://www.Calstatela.Edu/faculty/nThomas/Schemata.Html>

پایگاه  
مجلات  
پژوهشی  
ارزشمند